

حقوق کودک در برابر رسانه‌ها

Children's Rights and the Media

M. Esmaeili, Ph.D. ✉

دکتر محسن اسماعیلی ✉

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت مقاله: ۸۷/۴/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۰/۲۷

پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۹

Abstract

Although the effect of the media on children is known to every one around the globe today, the issue is among the most attractive social and scientific topics.

Children's high interest in the media, and TV in particular, especially the immediate and profound impact of TV programs on children, has been the cause of grave concern to parents and all interested in the fate of humanity.

Depression, tension, daydreaming, educational stagnation, cultural problems, aggression and finally physical disorders are among the main matters of concern raised with respect to the media.

چکیده:

اهمیت و تأثیر رسانه‌ها در دنیای امروز موضوعی ناشناخته نیست. با این حال بررسی وضع کودک و حقوق او در برابر این فناوری شگفت و پر قدرت هنوز هم از جذاب‌ترین مباحث علمی و اجتماعی است. علاقه مفرط کودکان به رسانه‌ها، خصوصاً تلویزیون، با توجه به تأثیرپذیری سریع و عمیق‌تر آنان و نیز اهتمام متقابل مالکان و مدیران بنگاه‌های عظیم رسانه‌ای برای سرمایه‌گذاری در تولیدات مربوط به سنین کودکی و نوجوانی، موجب بروز نگرانی‌هایی برای والدین و دیگر علاقمندان به سرنوشت بشر شده است.

انزوایگزینی و خیال‌پردازی، افت تحصیلی، آسیب فرهنگی و شخصیتی، پرخاشگری و تنش‌زایی، کاهش

✉Corresponding author: Faculty Of Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Tel: +9821-88094001-5

Fax: +9821-22253052

Email: m.esmaeili@isu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران، پل مدیریت، بزرگراه چمران، دانشگاه امام

صادق(ع)، دانشکده حقوق

تلفن: ۵-۰۱-۸۸۰۹۴۰۰۱-۰۲۱ دورنما: ۰۲۱-۲۲۵۳۰۵۲

پست الکترونیک: m.esmaeili@isu.ac.ir

In order to eliminate such concerns, we definitely need to draw up a protective and comprehensive plan. Some practical guidelines, professional rules, morals, laws, and regulations should be introduced along with the plan.

Some important steps have so far been taken in the field of international law. A number of articles of the Universal Declaration of Human Rights, the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) address the issue. The Declaration of the Rights of the Child and finally the United Nations Convention on the Rights of the Child (CRC or UNCRC), have paid great attention to this issue. There are also other international, national, as well as local declarations and resolutions adopted to protect children's rights in this regard.

But acute shortage of laws aimed at protecting children against the media is still noticeable. The present paper aims to address the shortcomings and is an attempt to offer solutions to compensate for them.

KeyWords: Children's Rights, Media Law, Universal Declaration of Human Rights, the Declaration of the Rights of the Child.

کاهش میزان مطالعه و بالاخره خمودی و زبان‌های جسمی از مهم‌ترین نگرانی‌های موجود است که در حوزه‌هایی مثل علوم اجتماعی و تربیتی، ارتباطات و حقوق، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

برای رفع این نگرانی‌ها، «نیاز به تدوین برنامه جامع حمایتی» قطعی است و بدون تردید در این برنامه، تدوین قوانین و مقررات حقوقی در کنار تنظیم راهنمای عملی و نیز نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای از اولویت فراوانی برخوردار است. برای این منظور در حوزه حقوق بین‌الملل گام‌هایی برداشته شده است. افزون بر اختصاص موادی از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به این موضوع، «اعلامیه حقوق کودک» و مهم‌تر از آن «کنوانسیون حقوق کودک» نیز توجه خاصی به تبیین اصول حقوق کودک در برابر رسانه‌ها نشان داده‌اند. هم‌چنین اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و مصوبات دیگری در سطح کشورها یا مناطق جغرافیایی در این باره وجود دارد. با این همه، به‌رغم مبانی و فرهنگ غنی دینی و ملی ما که دربردارنده متعالی‌ترین نگاه‌ها به کودک و پاسداشت منزلت و حقوق اوست، خلأ آشکاری در زمینه قوانین حمایت آمیز از حقوق کودک در برابر رسانه‌ها وجود دارد. ادامه این خلأ به هیچ وجه زیبنده ایران و نظام اسلامی نیست.

کلیدواژه‌ها: حقوق کودک، حقوق رسانه، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق کودک

مقدمه

حقوق کودک در برابر رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مباحث در زمینه حقوق اطفال است. اهمیت و جذابیت این بحث ناشی از گسترش پرشتاب حضور رسانه‌ها در زندگی انسان و

افزایش قدرت و تأثیر آن بر اندیشه و رفتار انسان‌ها و جوامع بشری است. علاقه شدید کودکان به رسانه‌ها، خصوصاً از نوع دیداری و به‌ویژه تلویزیون، از سوی دیگر سرمایه‌گذاری وسیع مالکان و مدیران رسانه‌های بزرگ دنیا برای تولید برنامه‌های مربوط به کودک و نوجوان، امیدها و بیم‌های فراوانی را برای اندیشمندان و مصلحان برانگیخته است.

وضعیت «رسانه‌ها در جهان معاصر»، دلایل «ارتباط ویژه کودک و رسانه» و بالاخره «آثار منفی و نگرانی‌های موجود»، موضوعاتی است که در بخش اول این مقاله توضیح داده می‌شوند. در بخش دوم نیز به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که «چه باید کرد؟»، «نیاز به تدوین برنامه جامع حمایتی» و از جمله شفاف‌سازی «مبانی حقوقی» در این بخش مورد تأکید است. نقش و تکلیف دولت، جامعه و خانواده و نیز «حمایت‌های قانونی در حقوق بین‌الملل» در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرند. با این حال فقدان مبانی و حمایت‌های قانونی برای حمایت از حقوق کودک در برابر رسانه‌ها در حقوق ایران را نمی‌توان انکار کرد. تبیین اصول و کلیات موجود و ارائه پیشنهادی در این خصوص پایان بخش مقاله حاضر است.

۱- کودک و رسانه

رسانه‌ها در جهان معاصر

پیدایش رسانه‌های نوین و تحول ارتباطات سنتی در روابط اجتماعی و جنبه‌های مختلف زندگی بشر تأثیر بسیاری گذاشته و تمام معادلات پیشین را تغییر داده که به درستی «انقلاب» ارتباطات نام گرفته است. فرهنگ، سیاست، اقتصاد، روابط مدنی و در نتیجه همه این‌ها حقوق، به شدت از این انقلاب عمیق و پر شتاب تأثیر پذیرفت، مرزهای جغرافیایی و عقیدتی کمرنگ شد، مفهوم سنتی حاکمیت ملی با پرسش مواجه شد و در یک کلام دوران ما به رسانه‌ها (Age of Media) تعلق یافت. علاوه بر تولد رسانه‌های جدید، نکته مهم در این باب شتاب حیرت‌انگیز رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این مولود نوظهور با سرعتی غیرقابل پیش‌بینی تکامل یافت و به‌ویژه پس از پیدایش صنعت ماهواره و از آن برتر اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی، همه مرزهای محدودکننده را درهم نوردید و خود را بر تمام واقعیت‌ها تحمیل کرد.

امروزه کنترل و نظارت بر رسانه‌ها به تدریج مفهوم خود را از دست داده، مالکان و مدیران آن‌ها می‌توانند با بهره‌مندی از این ابزار پیام‌های مورد نظر خود را به سرعت در دورترین نقاط جهان و در کنج‌خانه‌ها و جمع خانوادگی مردم انتقال دهند؛ سرعتی که هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. این واقعیت در نتیجه پروژه تحقیقاتی «استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم» که در سال ۱۹۹۸ توسط وزارت دفاع این کشور طراحی و مدت سه سال به طول انجامید، چنین بیان شده است:

«اگر هزاره‌ای را که در آستانه پیوستن به تاریخ است، به عنوان دورانی می‌شناسیم که بشر در آن برای نخستین بار به فضای سیاره‌ای خود پی برد، سده نخست هزاره آینده را می‌توان قرنی دانست که در آن انسانیت بالقوه (و در غیر این صورت بالفعل)، به ارتباط کامل در زمان حقیقی دست خواهد یافت. ما شاهد آن چیزی خواهیم بود که آن را "مرگ فاصله" (The Death of Distance) خوانده‌اند» (کمیسون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

به نظر می‌رسد فاصله‌ای که رسانه‌ها در حال نابود کردن آن هستند شامل فاصله‌های زمانی و مکانی است و به این ترتیب دیگر تقریباً مانعی در برابر خود احساس نمی‌کنند. به بیان دیگر قدرت رسانه‌های نوین پشتوانه اندیشه نظم نوین جهانی است و به همین دلیل است که این قدرت در انحصار کانون‌هایی است که طراحان و مدعیان تئوری نظم نوین بین‌المللی شناخته می‌شوند. آنان با درک سریع و درست، توان شگرف رسانه‌های ارتباط جمعی در فرهنگ‌سازی و هدایت افکار عمومی به سوی اهداف مورد نظر، مالکیت و اداره این پدیده را در دست گرفته، تلاش کردند تا با انحصار رسانه‌ای جریان اطلاعات را تحت کنترل عمده و محسوس خود قرار دهند.

«رابرت لم (Robert Lamb) در تحقیقی که به سفارش یونیسف درباره چشم‌انداز رسانه‌های دیداری- شنیداری در عرصه جهانی انجام داد و قسمتی از آن در کتابی با عنوان «تصویر جامع‌تر: تحقیق و توصیه‌هایی درباره رسانه‌های دیداری و شنیداری» منتشر شد، به این نکته جالب و تأمل‌برانگیز هم تصریح می‌کند که «به جز استثناهای بسیار معدودی، ترکیب برنامه‌هایی که در پربیننده‌ترین ساعات پخش می‌شود، در سراسر دنیا یکسان است» (یونسکو، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶).

طبیعی است که در چنین وضعیتی رسانه‌ها از چه تأثیری در دگرگون‌سازی پایه‌های اعتقادی و فرهنگی ملت‌های مختلف برخوردارند و چگونه از این طریق می‌توانند روابط اجتماعی، ساختار و اهداف سیاسی و رفتارهای بشری را متحول ساخته و فرهنگی نوین را بر جهان حاکم سازند. فرهنگ نوینی که خواه‌ناخواه نظم جدیدی را نیز در پی داشته و بنیان‌های حقوق را نیز دستخوش تغییر و تبدیل می‌کند؛ به‌ویژه حقوق کودک را که با رسانه، ارتباطی جدی‌تر برقرار می‌کند.

ارتباط ویژه کودک و رسانه

کودک و رسانه به دلایل فراوان، ارتباطی دوسویه، مستمر و مؤثر دارند؛ به این معنی که هم کودکان از جدی‌ترین علاقه‌مندان و متقاضیان رسانه‌های نوین، خصوصاً تلویزیون (شرام و دیگران، ۱۳۷۷) هستند و هم رسانه‌ها تمایل شدید به سرمایه‌گذاری برای تولید برنامه‌های کودک و نوجوان و جذب نسل‌های جدید دارند. به‌گونه‌ای که مطالعات نشان می‌دهند، کودکان و نوجوانان یکی از اهداف عمده برای مسئولان زمان‌بندی پخش برنامه‌های تلویزیونی هستند و تقریباً در تمام نقاط جهان

صرف هزینه و ساعات پخش برای کودکان در حال افزایش است (یونسکو، ۱۳۸۰، ص ۳۶۲): اولاً کودکان مشتری پر و پا قرص رسانه‌ها هستند؛ چون انسان‌ها در سنین پایین از فراغت کاملی برخوردارند و مشتاقانه به دنبال وسیله‌ای برای برقراری ارتباط، فراگیری و پرکردن اوقات خود هستند. کودکی که به دلیل زندگی در آپارتمان‌ها و کم شدن جمعیت خانواده‌ها، از ارتباط با همسالان خود نیز محروم است، فرصت بسیار زیادی در اختیار دارد که از هر شیوه‌ای برای گذراندن آن استفاده کند. از سوی دیگر رسانه‌ها علاوه بر این که همیشه و همه جا به راحتی در دسترس هستند، با بهره‌گیری از ظرفیت و توانایی‌های خاص هنری می‌توانند به این نیاز پاسخ دهند و می‌دهند. امروزه، به جز کتاب‌ها و نشریات خاص کودک، نوارهای ویدیویی و رایانه‌ای و سایر گونه‌های وسایل ارتباطی، تلویزیون‌ها با شبکه‌های متعدد و معمولاً شبانه‌روزی فعال هستند و تلاش می‌کنند تا هر یک بر پایه اهداف و مبانی فکری خود تولیداتی برای جذب کودکان و نوجوانان داشته باشند. مقتضیات زندگی ماشینی جدید هم زمینه را برای برقراری پیوند مستحکم‌تر کودک با رسانه آماده‌تر ساخته است. ثانیاً رسانه‌ها نیز جداً به دنبال یافتن مخاطب در سنین پایین‌تر هستند؛ زیرا کودکان و نوجوانان فرصت و علاقه بیشتری برای استفاده از تولیدات رسانه‌ای در اختیار دارند و نیز میزان تأثیرپذیری آنان از رسانه‌ها به مراتب شدیدتر و ماندگارتر است. ارتباط با کودکان و نوجوانان برای قدرت‌های مسلط بر جهان و رسانه‌ها که در پی شکل دادن فرهنگی نو و تحول فکری نسل‌های آینده هستند، معبری مطمئن و کوتاه برای تضمین اهداف و منافع آتی به شمار می‌رود.

سرمایه‌گذاری هنگفت و شگفت‌انگیز بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای در دنیا برای تولید و پخش برنامه‌های مورد علاقه کودکان و نوجوانان از همین دیدگاه قابل ارزیابی است. آنان از این طریق مدیران و شهروندان فردای جوامع مختلف را آن‌گونه که می‌خواهند، می‌سازند و چنان‌چه می‌دانیم اطفال نیز در نهایت آمادگی برای پذیرش و گیرندگی هستند.

آثار منفی و نگرانی‌های موجود

در کنار همه آثار و کارکردهای مثبت رسانه‌ها در پرورش و رشد شخصیت کودک، جامعه‌پذیری و آموزش دائم همه جانبه و موازی، نگرانی‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. بخشی از این نگرانی‌ها را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

تضعیف ارتباط روحی و عاطفی کودک با والدین و دیگر اعضای خانواده: جذابیت برنامه‌های رسانه‌ها (خصوصاً از نوع دیداری) موجب علاقه شدید کودک به آن‌ها شده و از میزان ارتباط و صمیمیت روابط حضوری او با اعضای خانواده می‌کاهد. کودکان به میزانی که برای ارتباط رسانه‌ای وقت و علاقه اختصاص می‌دهند از ارتباطات انسانی و خانوادگی محروم می‌شوند و در نتیجه مزایای آموزش‌های چهره به چهره و شفاهی را از دست می‌دهند.

انزواگزینی و خیال‌پردازی: کاهش مرادده با همسالان در اثر اکتفا به سرگرمی‌ها، بازی‌ها و تفریحات رسانه‌ای (خصوصاً از نوع رایانه‌ای) منجر به محرومیت از مهارت‌های برقراری ارتباطات انسانی و تعامل با گروه‌های هم سن گشته و به تدریج گوشه‌گیری را به صورت خصلت رفتاری به کودک تحمیل می‌کند (شرام و دیگران، ص ۲۶۱).

افت تحصیلی: علاقه مفرط کودکان به برنامه‌های رسانه‌ای از فرصت و علاقه آنان برای فعالیت‌های آموزشی می‌کاهد، رغبت آنان را به مدرسه کم می‌کند و موجب می‌شود تا از انجام تکالیف درسی به عنوان باری اضافه و مزاحم برای تفریح و سرگرمی خود، متنفر شوند. شاید به همین دلیل است که مطالعات انجام شده نشان می‌دهند «کودکانی که اغلب تلویزیون تماشا می‌کنند، در مقایسه با دیگران، درخشش کمتری از نظر تحصیلی دارند» (کازنو، ۱۳۷۱، ص ۱۴۴).

انفعال و الگوپذیری نامناسب: با در نظر گرفتن پخش‌های فرامرزی و دسترسی کودکان به تولیدات رسانه‌ای بیگانگان این نگرانی جدی وجود دارد که آنان الگوهای نامتناسب با مختصات فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و ملی خویش برگزینند و از پیشینه و هویت تاریخی خود جدا گردند. ژان کازنو به «مطالعات بی‌شماری» اشاره می‌کند که نشان می‌دهند «بچه‌ها، طبیعتاً به سوی نمایش جلب می‌شوند و در برابر آن حالتی بسیار پذیرا دارند». او با اشاره به همین یافته‌های علمی است که با نگرانی می‌پرسد: «آیا بچه‌ای که در سنین پایین، اغلب به تماشای تلویزیون می‌پردازد، در تمامی سال‌های زندگی از منش، جهان‌بینی و شکل زندگی خاصی برخوردار نخواهد گردید؟ واکنش و حتی نظام ارزشی مقبول وی، تحت تأثیر ماشین صوتی و تصویری قرار نمی‌گیرد؟» (کازنو، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵).

پرخاشگری و تنش‌زایی: متأسفانه تولید برنامه‌های حاوی خشونت از مشکلات رایج دنیای رسانه‌هاست. به دلیل تمنای بازار، هزینه کمتر و ایجاد هیجان‌ات کاذبی که مخاطبان را بیشتر به خود جذب می‌کند، تولید این‌گونه محصولات (در قالب فیلم، کارتون، رمان، داستان و...) در دستور کار شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای است. آمار صحنه‌های خشونت‌آمیز در این برنامه‌ها بسیار تکان‌دهنده است (هاماربرگ، ۱۳۸۰، ص ۲۷ و نیز ر.ک: شرام و دیگران، صص ۳۷۶-۳۸۷).

آیا دردآور نیست که «هر ۵ دقیقه یک‌بار، یک کودک آمریکایی به دلیل ارتکاب به یک جرم خشونت‌آمیز دستگیر می‌شود و هر سه ساعت یک‌بار، خشونت و البته با سلاح گرم، جان یک کودک را می‌گیرد» (وارتلا و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۷۹).

کاهش نرخ مطالعه و ارتباطات نوشتاری: یکی از زبان‌های قابل پیش‌بینی در اثر توسعه حضور رسانه‌های جدید در زندگی کودکان، تک بعدی شدن آنان است. تأثیرپذیری و علاقه زیاد کودکان به رسانه‌های دیداری و شنیداری موجب کاهش شدید فرصت و رغبت استفاده آنان از منابع و رسانه‌های

مکتوب است. محققان معتقدند کودکان، خواسته یا ناخواسته، از دیگر وسایل ارتباطی بی‌بهره‌اند و گرایش‌ها نسبت به کتاب و مطبوعات اندک است. عدم حضور جدی کتاب، مجله و سایر وسایل ارتباطی مکتوب در زندگی نونهالان نیز جدا ماندن آنان از دیگر چشمه‌های جوشان فرهنگ را می‌سازند؛ به‌خصوص که این سال‌ها، بهترین فرصت در راه ایجاد رابطه‌ای عاطفی بین کودک و کتاب است (ساروخانی، ۱۳۸۲، صص ۲۰۷-۲۰).

خمودی و زیان‌های جسمی: بازی و تحرک جسمی از اصلی‌ترین نیازهای کودک است و در شکل‌گیری شخصیت متوازن وی تأثیر عمده دارد. روان‌شناسان تأثیر اساسی بازی در رشد جسمی، ذهنی و عاطفی کودکان را مورد تأیید قرار داده و معتقدند بازی، در عین این‌که وسیله سرگرمی است دارای جنبه آموزش و سازندگی نیز هست (قائمی، ۱۳۶۴، صص ۲۳۱-۲۴۰)، کودک از طریق بازی سرگرم می‌شود و از آفات بیکاری در امان خواهد بود. علاوه بر این از طریق بازی به اشتغال مداوم خو خواهد کرد. روسو می‌گوید: فقط از کودکانی شاداب و شیطان می‌توان مردانی توانمند ساخت (ماهروزاده، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵).

در روایات دینی نیز بر ضرورت توجه به نشاط، تحرک و بازی‌های کودکانه، به‌ویژه در هفت سال نخست زندگی و تقدم زمانی آن بر آموزش سواد و احکام مذهبی تأکید گردیده است (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۲۴۷).

در احادیث فراوانی سفارش شده است تا پدران و مادران بازی‌هایی نظیر شنا و تیراندازی را بیاموزند (الری شهری، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۷۲۲) و حتی خود با آنان بازی کنند (همان، ص ۷۰۰، باب «التصایب مع الصبی»). این همه در حالی است که خو گرفتن آنان به برنامه‌های تلویزیونی و اخیراً بازی‌های رایانه‌ای از تحرک جسمانی کودکان کاسته و آنان را از بازی با همگنان خود محروم ساخته است. دیر خوابی، کاهش میزان استراحت و ورزش، چاقی، تنبلی و تن‌پروری از آسیب‌های جسمی و رفتاری است که در صورت افراط اطفال در استفاده از رسانه‌های دیداری، می‌توان انتظار داشت.

دسترسی به اطلاعات زیان‌بار: یکی از آشکارترین نگرانی‌های موجود در خصوص رابطه کودک با رسانه، دستیابی او به اطلاعات و مطالبی است که برای اطفال و یا اصولاً برای همگان زیان‌آور است. این نگرانی، مخصوصاً با پیدایش اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی بسیار جدی‌تر شده و مربیان و صلاح‌اندیشان جامعه بشری را با دغدغه‌های بزرگ مواجه ساخته است. دسترسی کودکان به اطلاعات و موضوعات خشونت‌بار، عکس‌ها، تصاویر و مطالب مستهجن، آموزش‌های نادرست جنسی، روابط و تفریحات نامشروع و ناسالم و باورها و تبلیغات ضددینی و خلاف اخلاق، تنها نمونه‌هایی از هشدارهایی است که درباره روابط کودک و رسانه مطرح می‌شود.

۲ - نیازها و مبانی حقوقی

نیاز به تدوین برنامه جامع حمایتی

بی‌تردید از کارکردهای مثبت و امتیازات رسانه‌ها نمی‌توان چشم پوشید و نه می‌توان کودکان را با نگرانی‌های پیش گفته و واقعیت‌های جهان ارتباطات تنها و رها گذاشت. بنابراین باید به دنبال سازوکاری بود تا ضمن پذیرش حضور رسانه‌های نوین در متن زندگی امروز، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها نیز محترم شمرده شوند.

برای حصول این نتیجه مهم نیازمند اقداماتی متوازن و همه جانبه هستیم که تدوین قوانین حمایتی در سطح ملی و بین‌المللی تنها بخشی از آنهاست. وضع قانون و اجرای قاطعانه آن در این زمینه نیز مانند بقیه مسائل اجتماعی راهگشا و مفید است، اما قطعاً نباید راه‌حل نهایی تلقی شود. تربیت مدیران شایسته و تولیدکنندگان متعهد برای رسانه‌ها و آموزش آنان در این خصوص، تقویت نظارت عمومی و خصوصاً نهادهای غیردولتی (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۹، ص ۷۱)، تدوین راهنمای کاربردی در زمینه حقوق و روان‌شناسی کودک، تهیه نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای ارتباطات و نهادینه‌سازی آن، پیش‌بینی سیاست‌های تشویقی و تنبیهی کارآمد، توجه بیشتر به بخش مدرسه و از همه مهم‌تر بازنگری در وظایف و کارکرد خانواده از جمله رؤس برنامه جامعی است که باید برای حمایت از حقوق کودک در عصر رسانه‌ها تدوین شود. نتیجه تحقیق مفصلی که برای تدوین «استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم» صورت گرفته و قبلاً از آن یاد کردیم، ثابت می‌کند که «چه بخواهیم و چه نخواهیم، ما در حال وارد شدن به عصر چالش‌های فرهنگی هستیم» (کمیسون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، ۱۳۸۲، ص ۶۷). این تحول بزرگ مولود عواملی است که تنوع رسانه، گسترش نفوذ و قدرت آن و پیشرفت فناوری اطلاعات از اصلی‌ترین آنهاست. در چنین موقعیتی «خانواده‌ها نیز همانند افراد، ناچار خواهند بود خود را با اوضاع نوین همسو سازند. ساکنان پیشرفته‌ترین کشورها (چه به عنوان والدین و چه به نام شهروند) با مسئولیت‌های تازه‌ای در زمینه مدیریت و استفاده از اطلاعات مواجه خواهند بود. با تغییر و گاه از میان رفتن محدودیت‌های طبیعی و نظم ناشی از مرزهای فیزیکی و اجتماعی، مردم برای حفظ تعادل و توازن عقلی و روانی مجبورند مسئولیت بیشتری بپذیرند. همان‌گونه که یک صاحب‌نظر گفته است، با وجود شبکه‌ای کاملاً آزاد و تهی از کنترل و سانسور که با آهنگی پرشور و سراسر تب و تاب به کار می‌پردازد، مهم‌ترین وظیفه پدر و مادرها در جهت آماده کردن فرزندان‌شان برای دنیای اینترنت، نه آموزش مهارت‌های پیچیده بلکه توجه دادن به اصول و مبانی سنت‌گرا و کهن - مانند تربیت خوب برای یک زندگی سالم و کارآمد خانوادگی و آموزش و تحصیلات عالی- است» (همان، ص ۴۱).

به تعبیر حضرت علی (ع): «قلب نونهالان همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود»؛ به همین جهت است که از نظر ایشان و دیگر پیشوایان و راهنمایان دینی شتاب، حساسیت و دقت در آموزش و تربیت اطفال از حقوق آنان و از تکالیف پدران و مادران است. حضرت علی (ع)، در نامه‌ای طولانی و سرشار از نکته‌های تربیتی و انسان‌ساز خطاب به فرزند گرامی خود و پس از اشاره به تأثیرپذیری کودکان و تشبیهی که ذکر شد، بلافاصله می‌افزاید: «پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و ذهن تو به چیز دیگری مشغول گردد و در ابتدای این راه تصمیم گرفتم. کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم» (نامه ۳۱ نهج البلاغه). نکته جالب توجه دیگر آن است که در ادامه این گفتار که در حقیقت دیباچه منشور تربیتی و آموزشی پدری مهربان و دانا به شمار می‌رود، امام علی (ع) به هراس خود از روبه‌رو شدن فرزند نوپای خویش با پیام‌آفرینان مغرض و گوناگونی اشاره می‌کند که ممکن است با هجوم خود به فضای ذهن و اندیشه او، حقیقت را مشتبه سازند؛ «از آن ترسیدم که مبدا خواسته‌های نفسانی و نظریاتی که مردم را دچار اختلاف و گمراهی کرد و کار را بر آنان شبیه ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد. گرچه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم، اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم تا دچار هلاکت‌های اجتماعی نگردی».

بنابراین برای تنظیم رابطه کودک و رسانه و حمایت از حقوق اطفال در این زمینه، تدوین سیاست‌ها و برنامه همه جانبه و هماهنگی که خانه، مدرسه و جامعه را در برگیرد، ضروری است و البته این گفته به معنای نادیده گرفتن نیازها و بایسته‌های حقوقی نیست. بدون تردید تصویب قانون نیز برای اطمینان از اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مدون الزامی است. این قوانین در مرحله نخست باید ناظر به چگونگی فعالیت‌های رسانه‌ای و تعیین معیارها و ضوابط تولید باشد و در مرحله بعد با تبیین حقوق کودک در این عرصه، زمینه‌ساز دفاع قانونی از آنان گردد. ادامه این نوشتار عهده‌دار بیان گام‌هایی است که در حوزه حقوق بین‌الملل و نیز در حوزه حقوق ایران برای تأمین این هدف برداشته شده است. این گام‌ها، گاهی به صورت کلی و در متون بنیادین است و گاهی نیز به طور مشخص به موضوع کودک و رسانه اختصاص یافته است.

حمایت‌های قانونی در حقوق بین‌الملل

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» را باید بنیادی‌ترین متنی دانست که بیانگر اصول کلی پیرامون حقوق مشترک انسان‌ها است. در مقدمه اعلامیه مذکور تأکید شده است که «مجمع عمومی (سازمان ملل متحد)، اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند»

طبق ماده ۲ نیز: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز ... از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد»، با این حال، و به‌رغم شمول تمام مواد اعلامیه نسبت به کودکان و نوجوانان، در چند مورد به‌طور خاص بر این موضوع پافشاری شده است. برای مثال در بند ۲ ماده ۲۵ بر این نکته تصریح شده است که علاوه بر مادران، «کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند»، «مراقبت مخصوص» و «حمایت اجتماعی» که در این ماده از حقوق کودک شمرده شده است، مصادیق گوناگونی دارد که برخی از آن‌ها می‌توانند در برابر کارکردهای نامناسب رسانه‌ای باشند. برای مثال رسانه‌ها نباید اقدام به تولید و پخش مطالبی کنند که با مبانی حقوق کودک در زمینه آموزش و پرورش منافات داشته باشد. این مبانی در بند ۲ ماده ۲۶ به این شکل بیان شده است: «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شوند که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید».

نکته مهم‌تر در بند ۳ همین ماده آن است که: «پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند» بنابراین کارکرد رسانه‌ها نباید به‌گونه‌ای باشد که حق تقدم و انتخاب والدین کودک را مخدوش سازد. بر همین اساس است که دیگر متون اساسی حقوق بین‌الملل نیز به لزوم در نظر گرفتن «تدابیر خاص» برای «حمایت» از حقوق اطفال عنایت ویژه نشان داده‌اند. برای نمونه، «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» تأکید کرده است که «تدابیر خاصی در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیرممیز و ممیز بدون هیچ‌گونه تبعیض به علت نسبت یا علل دیگر باید اتخاذ بشود» و از جمله «واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنان زیان‌آور است یا زندگی آنان را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد، باید به موجب قانون قابل مجازات باشد» (بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).

هم‌چنین «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ضمن تأیید مجدد حقوق مشترک کودکان (ماده ۲۴)، تصریح کرده است که: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند» (بند ۴ ماده ۱۸ همان).

افزون بر اسناد عمومی یاد شده، باید از «اعلامیه حقوق کودک» و مهم‌تر از آن «کنوانسیون حقوق کودک» نام برد که به طور خاص به مسائل حقوقی کودکان، از جمله در ارتباط با رسانه‌ها، پرداخته‌اند. کنوانسیون حقوق کودک، در مقدمه خود به مواد و اعلامیه‌های پیشین استناد کرده و به منظور تبیین «مراقبت‌های ویژه از کودک»، حقوق وی را در زمینه‌های گوناگون طی ۵۴ ماده روشن ساخته است. گرچه اکثر مواد این کنوانسیون به نوعی به فعالیت رسانه‌ها نیز مربوط می‌شود، اما ماده ۱۷ مستقیماً به موضوع کودک و رسانه اختصاص یافته، در این ماده تأکید شده است که: «کشورهای طرف کنوانسیون به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی، خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می‌شود را تضمین می‌کنند. در این راستا، کشورها اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد:

الف) تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار اطلاعات و مطالبی که برای کودک استفاده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و با روح ماده ۲۹ نیز مطابق است؛

ب) تشویق همکاری‌های بین‌المللی در جهت تولید، مبادله و انتشار این‌گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی؛

ج) تشویق تولید و انتشار کتاب‌های کودکان؛

د) تشویق رسانه‌های گروهی جهت توجه خاص به احتیاجات مربوط به آموزش زبان کودکانی که به گروه‌های اقلیت تعلق دارند یا بومی هستند؛

ه) تشویق توسعه خط‌مشی‌های مناسب در جهت حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند با توجه به مواد ۱۳ و ۱۸».

با این‌که بسط و تفسیر بندهای مختلف این ماده را باید به جای دیگر واگذار کرد، نگاهی دوباره به بند «الف» آن خالی از سود نیست. طبق این بند رسانه‌های گروهی باید در تولید و پخش همه محصولات خود، روح ماده ۲۹ را رعایت کنند. ماده ۲۹ در حقیقت بیانگر اصول سیاست‌های کلی حاکم بر آموزش و پرورش اطفال مثلاً از طریق رسانه است طبق ماده مذکور:

«۱- کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد: پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان؛ توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل؛ توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی؛ آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی

مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای [مملو] از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر؛ توسعه احترام به محیط طبیعی.

۲- از هیچ یک از بخش‌های این ماده و ماده ۲۸ نباید چنان تعبیر شود که مداخله‌ای در آزادی افراد و ارگان‌ها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی که همواره طبق اصول ذکر شده در پاراگراف ۱ این ماده و با شرط ارائه آموزش مطابق با حداقل استاندارد ذکر شده توسط دولت ایجاد می‌شوند، تلقی شود».

هم‌چنین چنان‌که دیدیم در آخرین بند ماده ۱۷ تأکید شده است که فعالیت‌های رسانه‌ای باید «در جهت حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند» سازماندهی شود، اما در این راستا مواد ۱۳ و ۱۸ نیز نباید نادیده انگاشته گردد. مقصود از ماده ۱۳ حق برخورداری کودک از جریان آزاد اطلاعات و محدودیت‌های قانونی آن است (هم‌چنین: ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر و نیز ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) بر اساس این ماده: «کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد.

اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت‌های خاصی، باشد ولی این محدودیت‌ها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند: برای احترام به حقوق یا آبروی دیگران؛ برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا به خاطر سلامت عمومی و یا مسائل اخلاقی». ماده ۱۸ نیز تکرار حق تقدم و تکلیف والدین و سرپرست‌های قانونی در تربیت و آموزش‌های فرزندان است که باید از سوی رسانه‌ها رعایت گردد.

حمایت‌های قانونی در حقوق ایران

متأسفانه، به‌رغم مبانی و فرهنگ دینی و ملی ایران که در بردارنده متعالی‌ترین نگاه‌ها به خردسالان و بیشترین تأکیدها برای پاسداشت منزلت و حقوق آموزشی و تربیتی آنان است، در قوانین و مقررات کشور اهتمام جدی به این موضوع، به ویژه در زمینه حقوق کودک در برابر رسانه‌ها دیده نمی‌شود. بی‌تردید فقدان قواعد الزام‌آور حقوقی که بتواند از سویی راهنمای رسانه‌ها در تولید محصولات مربوط به اطفال باشد و از سوی دیگر متجاوزان به حقوق آنان را کیفر داده و تنبیه کند، نقصی است که زیبنده نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و باید هر چه زودتر برطرف شود. برای این منظور شتاب در بازپژوهی و تدوین شفاف اصول مبتنی بر مبانی دینی، فرهنگ ملی و تجربه‌های قانونی و عملی داخلی و خارجی ضرورت دارد و از جمله می‌توان از کلیات و عمومات برخی اصول قانون اساسی در این خصوص الهام گرفت.

برای مثال «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» (بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) به عنوان یکی از وظایف کلی و دائمی دولت جمهوری اسلامی ایران شناخته شده که طبعاً شامل موضوعات مربوط به کودکان و رسانه‌ها نیز می‌شود. هم‌چنین «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» و وظیفه حاکمیت است (بند ۲ اصل ۳ همان).

به موجب اصل دیگر: «از آن‌جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». از سوی دیگر در اصول قانون اساسی که به بیان محدوده فعالیت‌های مطبوعات و صدا و سیما پرداخته‌اند، رعایت «مبانی اسلام یا حقوق عمومی» (اصل ۲۴) و یا «موازین اسلامی و مصالح کشور» (اصل ۱۷۵) به عنوان اصول کلی فعالیت‌های رسانه‌ای مطرح شده و به‌طور طبیعی می‌توانند مانند کلیات قبلی در این بحث مورد توجه قرار گیرند. در قوانین مربوط به رادیو و تلویزیون و نیز قانون مطبوعات نیز چنین کلیاتی می‌توان یافت، اما نمی‌توان به آن بسنده کرد. تنها مصوبه خاصی که در این زمینه وجود دارد (و البته عمل به آن هم قطعی نیست)، به حوزه کتاب ارتباط دارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای تحت عنوان «اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» توجه خاصی به کتاب‌های ویژه کودک و نوجوان نشان داده است. ماده ۵ این مصوبه مقرر داشته است که: «نظر به حساسیت و جنبه‌های خاص کتاب‌های کودکان و نوجوانان هیأت ویژه‌ای به نام «هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان» متشکل از حداقل پنج تن از افراد صاحب‌نظر و آگاه به امور تربیتی (از دیدگاه اسلامی) و مسائل خاص کتاب‌های کودکان تشکیل خواهد شد. این افراد را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از میان صاحب‌نظران و نویسندگان کتاب‌های کودکان و نوجوانان و اشخاص آگاه به مسائل تربیتی در اسلام انتخاب و جهت تصویب به شورای فرهنگ عمومی معرفی خواهد کرد».

طبق تبصره ۲ ماده مذکور: «نظارت هیأت مزبور از حیث شکل و محتوای کتب کودکان و نوجوانان و انطباق آن‌ها با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول تربیتی خواهد بود و این نظارت باید قبل از چاپ و نشر کتاب انجام گیرد». این در حالی است که نظارت قبل از چاپ و نشر در حوزه مطبوعات (و از جمله نشریات کودک و نوجوان) ممنوع است و این خود نوعی دوگانگی در سیاست‌گذاری فرهنگی به شمار رفته و آثار نامطلوبی را برجا می‌نهد. طبق ماده ۴ قانون مطبوعات: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند».

بدیهی است که این گفته به معنای خارج بودن مطبوعات کودک و نوجوان از حیطه نظارت نیست و این نشریات همانند سایر مطبوعات پس از چاپ و انتشار از سوی «هیأت نظارت بر مطبوعات» (موضوع ماده ۱۰ قانون مطبوعات، مصوب اسفند ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی) بازبینی شده و در صورت تخلف به دادگاه صالح معرفی خواهند شد؛ همان‌گونه که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم می‌تواند آنان را مستقیماً به محاکم دادگستری معرفی نماید (ماده ۱۲ همان قانون). هم‌چنین به موجب «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند»، «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارهای غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود» (تبصره ۳ بند ب ماده ۳ همان قانون).

بحث

نقش وسائل ارتباط جمعی در شخصیت، رفتار و اعتقادات کودک بی‌نظیر است. این تأثیر روز به روز در حال افزایش است و ویژگی‌های سنی و روانی اطفال نیز پذیرای آن است. ارتباط ویژه و دو سویه کودک و رسانه (به‌ویژه تلویزیون) می‌تواند آثار مثبتی در بر داشته باشد. در همین حال از آثار منفی و نگرانی‌های موجود نیز نمی‌توان و نباید غافل بود. از طرف دیگر نه بازگشت به دوران پیش از رسانه‌های نوین ممکن است و نه سیاست‌های منع‌گرایانه سودمند. بنابراین چاره‌ای جز تنظیم یک برنامه جامع حمایتی و از جمله قواعد و مقررات نداریم تا با تبیین حقوق کودک در این زمینه راهنمای عملی مدیران و تولیدکنندگان محصولات رسانه‌ای بوده و نیز ضمانت اجرای لازم برای جلوگیری از تجاوز به حقوق آن‌ها را پیش‌بینی کند. در حقوق بین‌الملل برای این منظور گام‌هایی برداشته و اصولی را بنیان نهاده‌اند. اما خلأ آشکار وجود چنین قواعد و مقرراتی در نظام حقوقی ایران، به رغم برخورداری از منابع غنی دینی و پیشینه افتخارآمیز ملی و فرهنگی، زیبنده کشور ما نیست.

پیشنهاد می‌شود که گروهی از زبده‌ترین متخصصان دین، روان‌شناسی کودک، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و آموزشی، فرهنگ و ارتباطات، حقوق و سایر رشته‌های مرتبط به‌کار گرفته شوند تا ضمن بهره‌مندی از مطالعات و اصولی که در جهان بنیان نهاده شده است، به تدوین منشور حقوق کودک در این زمینه بر اساس مبانی دینی و ملی خود اقدام کنند. قطعاً نتیجه این پژوهش گسترده باید به شکل قانون، آئین‌نامه و یا نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای از سوی مراجع مربوط تصویب و به مرحله اجرا نهاده شود.

منابع

- ساروخانی، ب. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- شرام، و.، دورکین، ک. (۱۳۷۷). *تلویزیون در زندگی کودکان ما* (ترجمه م. حقیقت کاشانی). تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۱).
- عاملی، ش. ح. (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه* (چاپ ششم). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- قائمی، ع. (۱۳۶۴). *خانواده و تربیت کودک*. تهران: انتشارات امیری.
- کازنو، ژ. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی* (ترجمه ب. ساروخانی و م. محسنی). تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۰).
- کمیسون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۲). *استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱* (ترجمه ج. دهمشگی و دیگران). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲).
- ماهرزاده، ط. (۱۳۷۹). *فلسفه تربیتی کانت*. تهران: انتشارات سروش.
- محمدی، م. (۱۳۷۹). *اخلاق رسانه‌ها*. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۶۳). *میزان الحکمه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نهج‌البلاغه، نامه ۳۱ (ترجمه م. دشتی). تهران: نشرامین
- وارتلا، ا. و دیگران (۱۳۸۰). *کودکان و خشونت در تلویزیون آمریکا* (ترجمه م. شفقی)، در *یونسکو، کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی*، صص. ۷۹-۹۱. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷).
- هاماربرگ، ت. (۱۳۸۰). *کودکان و تاثیرات زبان آور رسانه‌ها بر آنها* (ترجمه م. شفقی)، در *یونسکو، کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی*، صص. ۴۹-۲۷. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷).
- یونسکو (۱۳۸۰). *کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی* (ترجمه م. شفقی). تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

فهرست قوانین و اسناد حقوقی:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات ۱۳۶۸.
- قانون مطبوعات، مصوب اسفند ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی.
- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴.
- اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب جلسات ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۴۹ مورخ ۶ و ۱۳ و ۱۳۶۷/۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- اعلامیه حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.